

خبر

سیف: برای ارز تک‌نرخ‌ی نباید عجله کرد

● **ایلنا:** رئیس کل بانک مرکزی گفت: مهم‌ترین پیش‌نیاز تک‌نرخ‌ی‌شدن ارز، دسترسی به ارتباطات بانکی بین‌المللی است. رئیس کل بانک مرکزی درباره زمان اجرایی‌شدن طرح تک‌نرخ‌ی‌شدن ارز گفت: این مورد یکی از جدی‌ترین برنامه‌های بانک مرکزی است و آن قسمت‌هایی که امکان اجرایی‌شدن داشته، به‌تدریج در ماه‌های گذشته انجام شده است ولی الله سیف ادامه داد: بخش‌های دیگر نیز در شرف انجام است اما برای اعلام رسمی این امر، پیش‌نیازهایی لازم است و تا زمانی‌که این پیش‌نیازها حاصل نشود، تک‌نرخ‌ی‌شدن ارز امکان‌پذیر نیست. زیرا این موضوع برای بانک مرکزی تعهدآور است. وی اظهار کرد: مهم‌ترین پیش‌نیاز، دسترسی به ارتباطات بانکی بین‌المللی در حد نیاز است. اگر چه با اتفاقاتی که در چند ماه اخیر افتاده، روند ارتباطات بانکی ما رو به گسترش است، اما سرعت لازم را نداشته است و امیدواریم در یکی، دو ماه آینده به این شرایط دست پیدا کنیم. رئیس کل بانک مرکزی گفت: یکی دیگر از پیش‌نیازهای مهم و ضروری برای اجرایی‌شدن این طرح، همکام‌شدن بانک‌های کشورمان با استانداردهای بین‌المللی است که در این زمینه هم اقدامات خوبی انجام شده است و به صورت مرتب، منطبق‌شدن عملیات بانکی بانک‌ها با استانداردهای جهانی را رصد می‌کنیم. وی افزود: درمجموع برای عملیاتی‌شدن این طرح، نباید عجله کرد و برای اجرای مطلوب آن باید به فراهم‌شدن بستر لازم و تأمین پیش‌نیازهای آن دقت داشت.

تا برجام پابرجاست، فروش هواپیما متوقف نمی‌شود

● **ایسنا:** یک کارشناس صنعت هوانوردی معتقد است: طبق اصول مطرح برجام، فروش هواپیما به عنوان یکی از اصلی‌ترین محورهای توافق هسته‌ای مورد تأیید همه کشورها قرار گرفته و ازاین‌رو تا زمانی‌که این توافق پابرجاست، آمریکا نمی‌تواند در اصل فروش هواپیما توقیفی ایجاد کند. آرمان بیات، به بیان اینکه با توجه به شرایط فعلی قطعا ناوگان ایران نیاز به نوسازی جدی خواهد داشت، تأکید کرد: ایرانی‌های ما باید براساس شرایط اقتصادی‌ای که دارند و البته آینده‌ای که از نظر تجاری برای خود در نظر می‌گیرند، در فضای فعلی نسبت به خرید هواپیماهای جدید و پیش‌بینی نرخ توجیه‌پذیر بهره‌وری اقدام کنند. به گفته وی، با توجه به حق رسمی ایران در خرید هواپیماهای جدید پس از اجرایی‌شدن برجام به نظر می‌رسد دولت آمریکا توان آن را نخواهد داشت علیه این موضوع اقدام کند مگر اینکه قصد داشته باشد اساس برجام را نقض کند. این کارشناس صنعت هوانوردی با اشاره به تأیید نهایی خرید ۱۷ فروند ایرباس از سوی ایران در وزارت خزانه‌داری آمریکا، اظهار کرد: این مجوزها براساس شرایط سربال هواپیما صادر می‌شود و این به معنای آن است که این هواپیماها درحال‌حاضر به نام ایران ثبت شده است و امکان توقف آن، مگر در صورت لغو یا تعلیق مجوز اداره کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا یا نقض تعهدات مالی طرف خریدار، وجود نخواهد داشت. بیات ادامه داد: درباره دیگر هواپیماهای ایرباس و همچنین هواپیمای بوئینگ مذاکرات ادامه دارد. مجوزی که در این زمینه به بوئینگ داده شد مربوط به اجازه لازم برای مذاکره با ایران برای فروش هواپیما بود و برای قطعی‌شدن باید مجوز نهایی این امر مشخص شود. وی با بیان اینکه مخالفان فروش هواپیما به ایران در آمریکا با توجه به برجام توان پرسؤال‌بردن اصل خرید را ندارند، تأکید کرد: در روزهای گذشته آنچه بیشترین تکرار را داشته، نه بحث منع فروش که بحث منع فاینانس و حمایت‌های مالی‌ای از طرف ایرانی بابت خرید هواپیماهای جدید بوده است. این کارشناس صنعت هوانوردی اضافه کرد: آمریکایی‌ها به‌تثناهی اراده آن را ندارند جلوی فروش هواپیما به ایران را بگیرند، اما می‌توانند با فشار آوردن به مؤسسات مالی آمریکایی و وضع قوانین لازم اجازه فاینانس برای این هواپیماها را صادر نکنند. این کارشناس صنعت هوانوردی با اشاره به سابقه رئیس‌جمهور آمریکا، اظهار کرد: ترامپ پیش از آنکه سیاستمدار باشد یک فعال اقتصادی است، ازاین‌رو، ما می‌توانیم با چانه‌زنی سیاستمدارانه در عرصه‌های بین‌المللی از سوی وزارت خارجه شرایطی را به وجود آوریم که ترامپ نیز نسبت به فروش هواپیماهای جدید به ایران، رغبت اقتصادی و تجاری و نه سیاسی داشته باشد.

گاز برخی نقاط شهر ایلام قطع شد

● **ایسنا:** از عصر روز گذشته گاز برخی نقاط شهر ایلام قطع شد و مشکلاتی را برای شهروندان ایجاد کرد. خیابان‌های رسالت، بعثت، امام‌خمینی (ره) و خیابان‌های اطراف ازجمله مناطقی بود که اهالی آنها با این مشکل مواجه شدند. روابط‌عمومی شرکت گاز استان در اطلاعیه‌ای اعلام کرد: به‌دلیل نقص فنی شیر قطع اتوماتیک شرکت انتقال گاز ایران، متأسفانه جریان گاز برخی از نقاط شهر ایلام قطع شده و تمامی همکاران شرکت گاز استان ایلام در تلاشند تا ساعات دیگر با مراجعه به در منازل همشهریان، نسبت به برقراری جریان گاز اقدام کنند.

ادامه از صفحه

آقای ارهارد به ایران آمد و به ساختن یک کارخانه فولاد در ایران ترغیب کنند که ایشان قبول نکرد. تا جایی که خاطرم هست سال ۱۳۳۸ و قبل از ذوب آهن بود. آقای ارهارد به پدر اقتصاد آلمان معروف بود و می‌خواستند از او برای اقتصاد ایران کمک بگیرند. به‌رحال آنالیز من این است که برای خودشان منفعت نداشت که در ایران کارخانه فولاد را راه‌اندازی کنند. آلمان و ایتالیا هیچ‌کدام سنگ آهن ندارند. آلمان زغال دارد ایتالیا هم کمتر؛ بنابراین وقتی این دو از لحاظ کارخانه فولاد به بازار مسلط بودند، مایل به تأسیس کارخانه‌ای در ایران نبودند، مگر اینکه دیگر در بازار جایی نداشته باشند و برای اینکه کار جدید برای خودشان ایجاد کنند بخواهند این کارخانه را در جای دیگری راه‌اندازی کنند. ممکن است بحث سیاسی هم باشد؛ اینکه چون روس‌ها در ایران کار می‌کردند شاید خواستند عقب‌نمانند، اما آن زمان در ایتالیا کارخانه فولادی در دست ساخت نبود و باید یک بازار جدید برای خودشان پیدا می‌کردند.

● **پس آمریکایی‌ها هم خبر داشتند.**

تجربه Italian p&t در کوره بلند بود و خودش هم اصرار داشت در این حوزه وارد شود ولی اینجا از نظر اقتصادی آنالیزی که من هنوز هم به آن اعتقاد دارم و به خاط تعصب هم نیست، این است که هر کشوری که گاز دارد و زغال ندارد یا کم دارد، تنها راهش احیای مستقیم است. هر کشوری که زغال دارد و گاز ندارد، تنها راه برای آنها کوره بلند است و کشوری که هر دو را دارد، باید بسیار با دقت آنالیز اقتصادی کند که کدام به‌صرفه‌تر است.

● **اینکه ایتالیایی‌ها به وسیله شاه معرفی شدند و این‌س کار اتفاق افتاد، اینکه آنها دانش کوره بلند داشتند و مایل به این کار هم بودند، چه کسی در این میان مقاومت کرد و منجر به احیای کوره مستقیم شد؛ با وجود اینکه این دانش را نداشتند و با توجه به اینکه این قرارداد بعد از انقلاب بسته شد؟**

شرکت ملی صنایع فولاد ایران در ابتدا ذوب آهن گازی بود و بعد نامش تغییر کرد و بعد که با ذوب آهن ادغام شد، نامش به شرکت ملی فولاد ایران تغییر پیدا کرد. ● **این تصمیم را چه کسی گرفت؟**

این را واقعاً نمی‌توانم بگویم اما آنچه مسلم است، تشکیل آن شرکت براساس این بوده. یعنی شاه، دکتر امین را خواسته و گفته بود این کار را انجام دهید. این عین همان است که در چند کلمه در ابتدای ورود به سازمان شنیدم. وقتی انسان وارد شرکتی می‌شود و هدفی در آنجا تعیین می‌شود، شروع به خواندن مقالات و آنالیزش می‌کند. نبودن زغال در ایران مسئله مهمی بود. این یک واقعیت است. به موضوع مهمی در اینجا اشاره می‌کنم. زمانی در دانشکده یک درس می‌خواندم؛ دکتر امیرعلی شیبیانی به دانشجویان معدن درس ذوب آهن می‌داد. وقتی ایشان با ماشینش می‌آمد، به نام ذوب آهن دولتی ایران که قسمتی در وزارت اقتصاد یی وزارت صنایع ایران بود، می‌خندیدیم؛ ذوب آهنی در کار نبود. این داستان در زمان ۱۳۳۹ و زمان ورود ارهارد به ایران است. با این وضعیت این سازمان تشکیل شده بود اما دکتر شیبیانی با سابقه‌ای که در فرانسه داشت، دو نکته در فکرش بود. راه، کوره بلند است. قبل از جنگ جهانی دوم گاز مطرح نبود. این مطلب ابتدا در مکزیک مطرح شد و آنها

شروع به استفاده از گاز کردند و سیستم HYL را راه‌اندازی کردند و آمریکایی‌ها هم به دنبال آن مدیرکس را راه انداختند. آلمان‌ها هم موفق نبودند. زمانی که کارها را انجام داده بودیم (دکتر امین هم از شرکت صنایع ملی فولاد ایران رفته و آقای نجم‌آبادی رئیس شرکت بود) تا زمان دکتر امین مسئله‌ای نداشتیم اما آقای نجم‌آبادی اطلاع دادند که قرار است دکتر شیبیانی برای دیدن کارها بیایند که بنده هم خیلی استقبال کردم. ایشان آمدند و از من خواستند کارهایم را به ایشان نشان دهم. من هم کارهایی که آماده بود از جمله نقشه بندرعباس، ورودی سنگ آهن، کوره احیای مستقیم، ذوب ریخته‌گری و... را آوردم و ایشان گفت به جز نقشه نبرد، بقیه را دور بیندازید. ایشان به کوره بلند اعتقاد داشت و نظرش هم درست بود. البته یک اشکال داشت؛ قبل از جنگ جهانی دوم مسئله ذوب آهن گازی مطلقاً وجود نداشت. دوم اینکه در کتاب‌های درسی قبل از جنگ جهانی دوم که تمام این استادان آنها را خوانده بودند، نوشته بود با کوره الکتریکی نمی‌توانید ورق تغییر فرم‌پذیر بسازید؛ چرا؟ چون ذوب کوره الکتریکی حدود شش ساعت طول می‌کشید و ترانسفورماتورها ضعیف بود و آن زمان نداشتند. بنابراین در ذهن دکتر شیبیانی دو مورد وجود داشت که از نظر خودش هم درست بود. یکی اینکه بحثی به جز کوره بلند وجود نداشت. دوم اینکه کوره الکتریکی درست است اما با آن نمی‌شود ورق تغییر پذیر ساخت؛ بنابراین هر دو به‌عنوان یک خیانت تعبیر بالا تلقی شد.

● **آن زمان چرا روسیه به سمت گاز نمی‌رفت درحالی‌که منبع گاز داشت.**

روسیه که آن‌قدر زغال دارد و آن‌قدر فروش گاز برایش به‌صرفه است، چرا چنین کاری انجام دهد؟ روسیه منابع بسیار زیاد زغال دارد. دوباره تکرار می‌کنم: این‌کوم ما زغال داریم، خود ما معدن زغال را قبس را داریم اما به‌نظم به اندازه کافی در ایران زغال نداریم.

الان در ایران زغال کش‌شو کم داریم درحالی‌که زغال حرارتی تا بخواهید داریم. هنوز هم در حال واردکردن زغال هستیم چرا باید زغال وارد کنیم اما از گازی که داریم استفاده نکنیم؟ اگر گاز داریم و زغال نداریم، احیای مستقیم تنها راه است. اگر زغال داریم و گاز نداریم، کوره بلند راه‌حل است. اگر مثل روسیه هر دو را داریم، باید آنالیز اقتصادی کنیم که کدام به‌صرفه است. آنالیز اقتصادی برای روسیه واضح است. روسیه حتی احیای مستقیم هم انجام داد اما دید فروش گاز به اروپایی‌ها به نفعش است.

● **فرمودید دکتر شیبیانی از منظر علمی با این کار مخالفت می‌کردند اما آیا احتمال داشت به‌نوعی با تحریک روسیه این کار را انجام دهند؟**

به‌نظم ایشان واقعا به کارش اعتقاد داشت. به ایشان خیلی احترام می‌گذارم. ساخت ذوب آهن در ایران تحولی در کشور ایجاد کرد که خیلی از دانشت‌هایمان در این زمینه نشئت‌گرفته از این تصمیم ایشان است. نمی‌توانیم بگوییم نبود. حرکت صنعتی واقعی ایران از ساخت ذوب آهن شروع شد. به دکتر شیبیانی اعتقاد دارم. مسئله سیاسی این مطلب ممکن است بعد از انقلاب به وجود آمده باشد اما قبل از انقلاب دکتر شیبیانی اعتقاد داشت این کار اشتباه است.

● **اما دکتر شیبیانی خیلی در دربار نفوذ داشت. نمی‌دانم دکتر امین هم این مقدار نفوذ داشت یا نه.**

به‌نظم من هم در آن زمان به این موضوع فکر می‌کردم. وقتی دکتر امین در شرکت صنایع ملی فولاد ایران وزیر شدند، از ایشان پرسیدیم این چه کاری بود که شما کردید؟ شما که سیاسی نبودید که وارد این حوزه شدید. ایشان جمله‌ای گفت که عینا نقل می‌کنم. می‌گفت موقعی بود که عده‌ای چه کارها به شما نمی‌کردند تا یک دقیقه برسد خدمت علی‌حضرت، من وقتی تلفن می‌کردم، به من فوری وقت می‌داد. امروز که او از من تقاضای کمک کرده، دستش را رد نمی‌کنم.

می‌خواهم درباره کاراکتر دکتر امین برایتان بیشتر توضیح دهم؛ اول اینکه بسیار از نظر مالی روراست بود. اتفاقی هم برای من افتاد که توضیح خواهم داد. در تمام مذاکراتی که گروه کارشناسی انجام می‌داد، از ایشان خواستیم که خودش قیمت را آنالیز کند.

ایشان بعد از انقلاب از ایران رفت و در بانک جوانی کارشناس بود و نکته جالب اینکه از ایشان درباره بهترین خاطره‌اش در این دوره پرسیدند که اعلام کرد برای

برای کارشناسی در پتیناس انجام داده بهترین خاطره‌اش است. سال ۵۳ شروع شد و اول سال ۵۴ طرح توجیه فنی اقتصادی را به سازمان برنامه بردیم و شهریور ۵۴ سازمان برنامه آن را تأیید کرد و قرارداد آمدموسی با Italian p&t هم امضا شد که به اواخر سال ۵۴ رسیدیم که از سازمان برنامه خواستیم در

بودجه سال بعد مبلغی را به ما اختصاص دهند. تا کار را دنبال کنیم که البته انجام نشد. آن سال دولت بودجه کافی نداشت.

سال ۵۲ زمینی به این کار اختصاص داده شده بود؛ یعنی برنامه این بود که در سال ۵۲ شرکت ادیبی و همکاران که شرکت مهندسی مشاور بود، طرح جامع بنادر ایران را ارائه دهد و در این طرح، منطقه‌ای را در ۳۰کیلومتری بندرعباس به فولاد اختصاص دادند. این منطقه در کنار کوه گچی بود که حاوی اورانیوم است. یک منطقه جزرومدی واقع پرت که وقتی ما متوجه شدیم و به آنجا رفتیم، فهمیدیم روی زمین خشک اما زیر آن لجن است.

بعد از اینکه تمام کارها انجام شده بود، متوجه این اشکالات شدیم و مورد دیگر اینکه حرکت کوه گچی و کنبند نمکی است که منجر به زلزله می‌شود.

● پرتوایی هم داشت؟

آن زمان کسی به دنبال این مطالب نبود و سنگ‌های رنگارنگ آنجا برای ما جالب بود اما به بحث اورانیوم فکر نمی‌کردیم. به‌رحال متوجه شدیم این زمین اصلاً جابگوی کار ما نیست. نوروز ۵۵ به بنده مأموریت دادند که اگر این زمین ایراد دارد، باید در بندرعباس مکان مناسبی را پیدا کنم و باید زمینی خوب و کنار دریا می‌بود که منطقه‌ای در کنار توایر انتخاب شد که کنار دریا بود و در زمین پشت آن هم امروزه پالایشگاه و فولادسازی و آلومینیوم بندرعباس پیاده شده است. زمین برای استفاده آماده شده بود و پزشک هیوندایی آمد. خیلی سریع چند سوله زدند و تیشمار را آوردند و مانند سیستم نظامی هشت صبح با سوت، پرسنل

اقتصاد

چه کسانی فولاد مبارکه را ساختند؟



بیرون آمده و تا ساعت ۱۲ کارشان را انجام می‌دادند. دو نفر بودند که وقتی استاد کار می‌کرد، چتر آفتابگیر را روی سر او نگه می‌داشتند و از ساعت ۱۲ تا سه استراحت کرده و دوباره تا شب کار می‌کردند.

در آن گرما که همه فراری بودند، اینها در آن شرایط کار می‌کردند که برای ما خیلی عجیب بود. این کار ادامه داشت تا اوایل سال ۵۷ که حواشی انقلاب شروع شد. از نظر احیای مستقیم هم اهواز سه مورد HYL، میدرکس داشت اما با اتفاقاتی که در اهواز افتاد و با مسافرت‌هایی که داشتم و جاهای دیگر را دیدم، متوجه شدیم باید به سمت کار با میدرکس برویم. میدرکس با اینکه آمریکایی است اما امتیاز این کار را به شرکتی در آلمان داده بود که این شرکت یک واحد احیای مستقیم هم در هامبورگ گذاشته بود و پرسنل اهواز در هامبورگ دوره کارآموزی دیده بودند و ما هم بررسی کرده بودیم و همین‌ها باعث شد متوجه شویم که مند موردنیز ما همین است. اما با وجود همه این موارد، مناقسه را انجام دادیم که از شرایط باخر باشیم. در نهایت میدرکس انتخاب شد اما هم‌زمان با مسائل انقلاب شد و قراردادی منعقد نشد. آلمانی‌ها این امتیاز را داشتند که این کار را در ایران انجام دهند نه آمریکایی‌ها.

● **زمانی که انقلاب پیروز شد، به‌نوعی همه چیز را از‌دست‌رفت نمی‌دیدید؟**

یک داستان شخصی برای شما می‌گویم؛ ممکن است به نظر شما ربطی به این موضوع نداشته باشد. زمانی‌که اعتصابات انقلاب در آذر ۵۷ شروع شده بود، مدیر بندرعباس بودم. کار شروع شده بود و کار آب‌شیرین‌کن هم در حال انجام بود. اولین نقطه مشحیر هم من بودم و می‌آمدند برخلاف سیستم صحبت می‌کردند و من هم می‌خواستم جوابی به آنها بدهم اما نمی‌توانستم. به‌رحال این روابط تلخ بود چون آنها من را به عنوان مدیر سیستم می‌شناختند. یک روز مقابل دوستان صحبت می‌کردم؛ به من خبر دادند راننده شرکت در بندرعباس تصادف کرده و حالش هم خوب نیست. خواستم خیلی زود به او رسیدگی کنم. گفتند خدایا در این اعتصابات و جریان گفت‌وگو‌ها باید به این بنده خدا هم برسیم. گرما هم هنوز در آنجا غوغا می‌کرد. سوار ماشین که شدم، خیلی داغ شده بود و همان زمان یک زنبور من را نیش زد. همان لحظه از خدا معذرت‌خواهی کردم که اعتراض کرده بودم. همین موضوع یک درس به من داد که دیگر هرگز نمی‌خواستم به آن راننده رسیدگی شود و مشکلی پیش نیامد. در آن مدت برای بندرعباس اتفاقات زیادی افتاد ولی عاقبت خوبی پیش آمد.

نکته‌ای را فراموش کرده بودم. آن زمان به ما اعتراض کردند که چرا ما همراه بودند تا نتیجه نهایی به دست آمد. کار تقریباً متوقف شده بود و دی‌ماه ۵۷ عملاً کاری انجام نمی‌شد. انقلاب که شد، مدیریت شرکت ملی صنایع فولاد برداشته شد و گروهی آمدند که شامل آقای مالکی از ذوب آهن، دکتر حسن‌علی شیبیانی (برادر عباس شیبیانی که مرحوم شده) و آقای بزرگمهر بودند. آقای آشتیانی مدیرعامل ذوب‌آهن شد و اولین کسی که آنجا آمد، آقای احمدزاده بود و در آن زمان دکتر احمدزاده که آمده بود، بحث این بود که وزارت فولاد می‌خواهیم اما آقای آشتیانی مدیرعامل ذوب‌آهن بود و آقایان گروه هیات‌مدیره آمدند و مدیرعامل هم مهندس جعفری برای شرکت مهندسی ملی صنایع فولاد ایران تعیین شد. من به عنوان یک مدیر از سیستم قبل در سازمان مطرح بودم اما به عنوان کارشناس در کار باقی ماندم.

زمانی که دکتر امین در شرکت ملی صنایع فولاد ایران بود، دکتر اردبیلی مدیرعامل اوپیتک شد. بعد آقای نجم‌آبادی آمد. این شرکت ملی صنایع فولاد ایران رفت و دکتر اردبیلی مدیرعامل این شرکت قبل از انقلاب آمده و تا ساعت ۱۲ کارشان را انجام می‌کرد. چتر آفتابگیر را روی سر او نگه می‌داشتند و از ساعت ۱۲ تا سه استراحت کرده و دوباره تا شب کار می‌کردند. در آن گرما که همه فراری بودند، اینها در آن شرایط کار می‌کردند که برای ما خیلی عجیب بود. این کار ادامه داشت تا اوایل سال ۵۷ که حواشی انقلاب شروع شد. از نظر احیای مستقیم هم اهواز سه مورد HYL، میدرکس داشت اما با اتفاقاتی که در اهواز افتاد و با مسافرت‌هایی که داشتم و جاهای دیگر را دیدم، متوجه شدیم باید به سمت کار با میدرکس برویم. میدرکس با اینکه آمریکایی است اما امتیاز این کار را به شرکتی در آلمان داده بود که این شرکت یک واحد احیای مستقیم هم در هامبورگ گذاشته بود و پرسنل اهواز در هامبورگ دوره کارآموزی دیده بودند و ما هم بررسی کرده بودیم و همین‌ها باعث شد متوجه شویم که مند موردنیز ما همین است. اما با وجود همه این موارد، مناقسه را انجام دادیم که از شرایط باخر باشیم. در نهایت میدرکس انتخاب شد اما هم‌زمان با مسائل انقلاب شد و قراردادی منعقد نشد. آلمانی‌ها این امتیاز را داشتند که این کار را در ایران انجام دهند نه آمریکایی‌ها.

از انقلاب شد و از اوپیتک خارج شد. البته ما هم مایل به این کار بودیم چون به کار سیستم آشنا بود. تا زمان انقلاب که ایشان و دکتر امین رفتند؛ اولین بحث در سطح کشور شروع شد؛ اینکه فولاد بندرعباس محلی از اعراب ندارد چون کار شاه است. گفتم کار بدی که نکردم، کارخانه فولاد آورد. حالا چرا مخالفت می‌کنید؟ گروهی در داخل شرکت ملی صنایع فولاد ایران (که هنوز شرکت ملی فولاد ایران ایجاد نشده بود) کار را ادامه می‌دادند تا مهندس جعفری آمد. من هم جزء تیم ایشان بودم. آقای بی به نام مهندس طالقانی بود و دکتر احمدزاده با ایشان آشنا بود. در نهایت آقایان به این نتیجه رسیدند که فولاد بندرعباس باید حتما منتقل شود اما من مخالف این کار بودم. با نبودن کارخانه فولاد مشکلی نبود اما می‌خواستند در بندرعباس نباشد. چون می‌گفتند برای شیرین‌کردن آب هزینه گزافی باید صرف شود. اما من می‌گفتم باید تجهیزات را وارد و از بندر به جایی که شما می‌خواهید حمل کنیم که هزینه زیادی دارد. دیگر اینکه نمی‌ی از سنک آه‌ن را باید وارد کنیم چون نمی‌توانیم سنگ آهن را به بندرعباس بیاوریم و از آنجا به اصفهان حمل کنیم. بعد هم این کار براساس یک فلسفه و نقشه ایجاد شد اما به هر حال قرار شد کارخانه به اصفهان منتقل شود. دلیل انتخاب اصفهان هم این بود که در داخل شرکت ملی صنایع فولاد ایران قرار بود مجتمعی به نام فولاد اصفهان تشکیل شود که نورد سرد داشته باشد و آنها هم کارشان را شروع و تحقیق کرده بودند؛ البته از فولاد مبارکه کوچک‌تر بود که گفتند این کار محلی از اعراب ندارد و کار باید متوقف شود. البته من در این میان بازنده بودم چون قرار شد از گل‌گهر سنگ آهن بیاوریم. خوشبختانه چادرملو بعدها به صحنه آمد و قراردادهای بازنگري شود. چون مشخص نیست این قراردادهای را چه کسی و چطور امضا کرده و این قراردادهای باید به اصفهان منتقل شود و در نهایت کار به شورای انقلاب کشیده شد. تقریباً یک سال بعد مجدداً این p&t Italian شروع شد و قراردادهای بندرعباس و فولاد مبارکه بسته و در شورای انقلاب تأیید شد که با یک‌سری تغییرات کار در فولاد مبارکه دنبال فسود. در این مدت پرسنل فولاد اصفهان کار را هدایت می‌کردند و آقای حسن‌علی شیبیانی هم مجری طرح شد. شخصیت جالبی هم داشت و زمانی که کار همه می‌خورد، با گفتن یک لطیفه کار را پیش می‌برد. خاطرم هست یک روز گفتند مدیر جدید، آقای حسن‌علی شیبیانی، قرار بود بیاید و همه هم از قبل جبهه گرفته بودند. ایشان که آمد، متوجه شرایط شد و یک نفر از ایشان پرسید شما با آقای شیبیانی ذوب‌آهن چه نسبتی دارید؟ ایشان گفت من حسن‌علی شیبیانی‌کنشی هستم که از نام تا دندشویی مصرف دارم. (با خنده) این کار ایشان واقعا چه هنر بود که با یک جمله جو حلسه را تغییر می‌داد. یک بار با مدیریت کشتی‌رانی آریا (بعدها جمهوری اسلامی) برای بازدید از تجهیزات فولاد مبارکه رفتم و آقای شیبیانی آمدند و به حرف‌های ما گوش کردند. من نمی‌توانستم خودم را قانع کنم حرف‌هایی که می‌خواهم را نزنم.

اعتقاد شخصی من این است که این پروژه نیاز به بندرعباس منتقل می‌شد. اول اینکه می‌گفتند بندرعباس گرمای زیادی دارد اما بعدها پروژه‌هایی مانند آلومینیوم و پالایشگاه و فولاد بندرعباس جدید و... گذاشته شد. مورد دیگر این‌که گفتند مشکل آب وجود دارد که می‌توانستیم با آب‌شیرین‌کن مشکل را حل کنیم. یا اینکه می‌گفتند خوردگی بالاست که من می‌گفتم خیلی از کشتی‌های دنیا در آن دریا در حال کارکردن هستند و باید آنها را جمع کرد در آن طرف دریا که عرب‌ها هستند و زندگی می‌کنند و جایی هم برای انتقال و رفتن ندارد. مشکل ما این است که برخلاف تمام دنیا از کنار دریاهایمان فرار کرده‌ایم؛ یعنی از محل ثروت دور شده‌ایم. اروپایی‌ها به خاطر دریاهاشان قدرت دارند.

● **شورای انقلاب براساس همین موارد این انتقال را به اصفهان قبول کرد.**

بعضی از تجهیزات به اجبار باید تعویض می‌شد اما تصوری نبود وقتی از ارتفاع صفر به ارتفاع هزارو ۶۰۰ متر می‌روید، موتورها تحت‌تأثیر قرار می‌گیرند اما دکتر نعیمی رقم درستی را مطرح کرده.

● **گفتند ۲۰ درصد هم کاهش بازاربایی داشتیم.**

به‌رحال با این انتقال یک‌سری تغییر و تحولات انجام شد؛ با اینکه قلیا اعتقاد داشتیم این کار نباید انجام شود. اما تنها حسن این بود که اگر فولاد به اصفهان منتقل نمی‌شد، ساخته نمی‌شد. لایبی اصفهانی‌ها را فراموش نکنید. ایرادی به ما گرفته می‌شد و درست هم بود؛ اینکه به ما می‌گفتند شما از وقتی به بندرعباس آمده‌اید، اجاره‌خانه‌ها افزایش پیدا کرده و می‌خواستند ما از آنجا برویم. درحالی‌که افزایش اجاره‌خانه‌ها را می‌دیدند اما متوجه نبودند بودن کارخانه فولاد در آنجا چه تأثیری می‌تواند بگذارد. اما اصفهانی‌ها متوجه این قضیه شدند و در مجلس هم قدرت داشتند و توانستند این پروژه را نگه دارند و بسازند اما در بندرعباس کسی از این کار حمایت نمی‌کرد و فقط عده‌ای بودند که می‌خواستند جلوی انتقال فولاد به بندرعباس گرفته شود. اما هنوز هم اعتقاد این است در صورت انتقال نیافتن، این کارخانه ساخته نمی‌شد.

نگاه

دستمزد ۸۰۰ هزار تومان هزینه خانوار ۳ میلیون تومان!

● **ایسنا:** عضو کانون شورای اسلامی کار گفت: اصلاحیه قانون کار ناجوانمردانه نوشته شده و برخی نیت اصلاح آن را ندارند چون اگر درصدد اصلاح آن باشند، باید سر میز مذاکره و به شکل سه‌جانبه آن را بررسی کنند. ابوالفضل فتح‌اللهی، نایب‌رئیس کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران، گفت: در دولت دهم وزارت کار وقت حدود ۱۴ جلسه درباره اصلاح قانون کار با کارگران و کارفرمایان برگزار کرد و مقرر شد طرفین نظرات خود را اعلام و پیشنهاداتشان را ارائه کنند، ولی نه‌فقط نظرات طرفین در تدوین اصلاحیه و در تغییر مواد لحاظ نشد، بلکه دولت موادی از قانون را به تشخیص خود تغییر داد و تغییرات را به صورت عجولانه و در قالب پیش‌نویس به مجلس ارائه کرد. نایب‌رئیس کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران تصریح کرد: عمر مجلس نهم هم کفاف نداد به این لایحه ورود کند و همواره آنها را بانک مرکزی نسبت به این لایحه مطرح بود که اگر خود را قانون‌نویس می‌دانیم و بایدن قوانین سستیم باید به‌طور سه‌جانبه و با حضور شرکای اجتماعی اصلاحیه بررسی شود اما این امر محقق نشد تا اینکه در چند ماه گذشته موضوع بررسی اصلاحیه جدی شد و مقامات وزارت کار اذغاع کردند نظر آنها را تأمین نمی‌کند. این مقام مسئول کارگری درباره آخرین اخبار روند بررسی اصلاحیه قانون کار در مجلس گفت: به‌دلیل مخالفت کارگران و تلاش گروه‌های کارگری برای بازگشت آن، بررسی اصلاحیه فعلاً در مجلس متوقف شده است البته وزیر کار بارها در سخنرانی‌های خود اعلام کردند این لایحه را پس می‌گیرند ولی برخی مسئولان وزارت کار اصرار دارند لایحه در مجلس بماند و قرار است جلسات مشورتی و هم‌اندیشی میان کارگران و کارفرمایان در وزارت کار برگزار شود تا پس از به‌نتیجه‌رسیدن، پیشنهادات و نظرات طرفین به مجلس ارسال شود. وی با بیان اینکه قانون کار باید به‌منظور تنظیم روابط بین کارگر و کارفرما اصلاح شود، افزود: نمایندگان کارگران و کارفرمایان همواره بر این کرده‌اند اصلاح آن در این زمان جزء ضرورت‌های ما نیست و وقتی دو گروه راضی به این اصلاح نیستند، اصرار وزارت کار و مجلس کمی معنادر است. فتح‌اللهی افزود: هر دو گروه کارفرمایی و کارگری مخالفتی با اصلاح قانون ندارند فقط زمان اصلاح را مناسب نمی‌دانند و معتقدند مادمی که تغییر قانون کار در بین نباشد و منظور از اصلاح به‌روزردن آن باشد، خواست همه گروه‌ها و تشکل‌هاست. در همین زمینه علی اصلائی، عضو کانون عالی شوراهای اسلامی کار، معتقد است: اصلاحیه قانون کار ناجوانمردانه نوشته شده و برخی نیت اصلاح آن را ندارند چون اگر درصدد اصلاح آن باشند باید سر میز مذاکره و به شکل سه‌جانبه آن را بررسی کنند. عضو کانون عالی شورای اسلامی کار با بیان اینکه مخالف اصلاح قانون کار نیستیم و مجلس می‌تواند آن را برگرداند، تأکید کرد: کسانی که به اصلاح قانون کار می‌اندیشند به جای آنکه روی چند ماده حساس مثل مواد ۱۲، ۲۷، ۴۱ و ۲۷ متمرکز شوند از ماده ۲ تا ۴۱ آن را بررسی کنند. ما مخالفتی با اصلاح بندبند قانون نداریم به شرط آنکه سه‌جانبه‌گرایی رعایت شود. او با اشاره به ماده ۲۷ اصلاحیه قانون کار گفت: این ماده زمانی به درد می‌خورد که ۸۵ درصد کارگران کارخانه‌ها رسمی بودند و تبصره ۲ این ماده کارساز بود، چون می‌گفتند تا رضایت شورا نباشد، نمی‌توان کارگر را اخراج کرد ولی وقتی با کارگر قرارداد یک‌ماهه و ۱۸روزه بسته می‌شود این ماده عملاً تأثیرگذاری خود را از دست داده است. ابوالفضل فتح‌اللهی از حذف تبصره‌های ماده ۴۱ در اصلاحیه قانون کار خبر داد و گفت: در اصلاحیه قانون کار که یک‌سوی از طرف دولت داده شده است تبصره‌هایی که ماده ۴۱ را حذف کردند و شرایط اقتصادی را گنجانده‌اند درحالی‌که وقتی قانون‌گذار دو آئیم برای ماده ۴۱ قانون کار در نظر گرفته همه شرایط را در آن سنجیده است. وی ادامه داد: سال‌هاست وزارت کار فقط بند یک ماده ۴۱ را بوند و تبصره ۲ این ماده کارساز بود، چون می‌گفتند تا رضایت شورا نباشد، نمی‌توان کارگر را اخراج کرد ولی وقتی با کارگر قرارداد یک‌ماهه و ۱۸روزه بسته می‌شود این ماده عملاً تأثیرگذاری خود را از دست داده است. ابوالفضل فتح‌اللهی از حذف تبصره‌های ماده ۴۱ در اصلاحیه قانون کار خبر داد و گفت: در اصلاحیه قانون کار که یک‌سوی از طرف دولت داده شده است تبصره‌هایی که ماده ۴۱ را حذف کردند و شرایط اقتصادی را گنجانده‌اند درحالی‌که وقتی قانون‌گذار دو آئیم برای ماده ۴۱ قانون کار در نظر گرفته همه شرایط را در آن سنجیده است. وی ادامه داد: سال‌هاست وزارت کار فقط بند یک ماده ۴۱ را بوند و تبصره ۲ این ماده کارساز بود، چون می‌گفتند تا رضایت شورا نباشد، نمی‌توان کارگر را اخراج کرد ولی وقتی با کارگر قرارداد یک‌ماهه و ۱۸روزه بسته می‌شود این ماده عملاً تأثیرگذاری خود را از دست داده است. ابوالفضل فتح‌اللهی از حذف تبصره‌های ماده ۴۱ در اصلاحیه قانون کار خبر داد و گفت: در اصلاحیه قانون کار که یک‌سوی از طرف دولت داده شده است تبصره‌هایی که ماده ۴۱ را حذف کردند و شرایط اقتصادی را گنجانده‌اند درحالی‌که وقتی قانون‌گذار دو آئیم برای ماده ۴۱ قانون کار در نظر گرفته همه شرایط را در آن سنجیده است. وی ادامه داد: سال‌هاست وزارت کار فقط بند یک ماده ۴۱ را بوند و تبصره ۲ این ماده کارساز بود، چون می‌گفتند تا رضایت شورا نباشد، نمی‌توان کارگر را اخراج کرد ولی وقتی با کارگر قرارداد یک‌ماهه و ۱۸روزه بسته می‌شود این ماده عملاً تأثیرگذاری خود را از دست داده است. ابوالفضل فتح‌اللهی از حذف تبصره‌های ماده ۴۱ در اصلاحیه قانون کار خبر داد و گفت: در اصلاحیه قانون کار که یک‌سوی از طرف دولت داده شده است تبصره‌هایی که ماده ۴۱ را حذف کردند و شرایط اقتصادی را گنجانده‌اند درحالی‌که وقتی قانون‌گذار دو آئیم برای ماده ۴۱ قانون کار در نظر گرفته همه شرایط را در آن سنجیده است. وی ادامه داد: سال‌هاست وزارت کار فقط بند یک ماده ۴۱ را بوند و تبصره ۲ این ماده کارساز بود، چون می‌گفتند تا رضایت شورا نباشد، نمی‌توان کارگر را اخراج کرد ولی وقتی با کارگر قرارداد یک‌ماهه و ۱۸روزه بسته می‌شود این ماده عملاً تأثیرگذاری خود را از دست داده است. ابوالفضل فتح‌اللهی از حذف تبصره‌های ماده ۴۱ در اصلاحیه قانون کار خبر داد و گفت: در اصلاحیه قانون کار که یک‌سوی از طرف دولت داده شده است تبصره‌هایی که ماده ۴۱ را حذف کردند و شرایط اقتصادی را گنجانده‌اند درحالی‌که وقتی قانون‌گذار دو آئیم برای ماده ۴۱ قانون کار در نظر گرفته همه شرایط را در آن سنجیده است. وی ادامه داد: سال‌هاست وزارت کار فقط بند یک ماده ۴۱ را بوند و تبصره ۲ این ماده کارساز بود، چون می‌گفتند تا رضایت شورا نباشد، نمی‌توان کارگر را اخراج کرد ولی وقتی با کارگر قرارداد یک‌ماهه و ۱۸روزه بسته می‌شود این ماده عملاً تأثیرگذاری خود را از دست داده است. ابوالفضل فتح‌اللهی از حذف تبصره‌های ماده ۴۱ در اصلاحیه قانون کار خبر داد و گفت: در اصلاحیه قانون کار که یک‌سوی از طرف دولت داده شده است تبصره‌هایی که ماده ۴۱ را حذف کردند و شرایط اقتصادی را گنجانده‌اند درحالی‌که وقتی قانون‌گذار دو آئیم برای ماده ۴۱ قانون کار در نظر گرفته همه شرایط را در آن سنجیده است. وی ادامه داد: سال‌هاست وزارت کار فقط بند یک ماده ۴۱ را بوند و تبصره ۲ این ماده کارساز بود، چون می‌گفتند تا رضایت شورا نباشد، نمی‌توان کارگر را اخراج کرد ولی وقتی با کارگر قرارداد یک‌ماهه و ۱۸روزه بسته می‌شود این ماده عملاً تأثیرگذاری خود را از دست داده است. ابوالفضل فتح‌اللهی از حذف تبصره‌های ماده ۴۱ در اصلاحیه قانون کار خبر داد و گفت: در اصلاحیه قانون کار که یک‌سوی از طرف دولت داده شده است تبصره‌هایی که ماده ۴۱ را حذف کردند و شرایط اقتصادی را گنجانده‌اند درحالی‌که وقتی قانون‌گذار دو آئیم برای ماده ۴۱ قانون کار در نظر گرفته همه شرایط را در آن سنجیده است. وی ادامه داد: سال‌هاست وزارت کار فقط بند یک ماده ۴۱ را بوند و تبصره ۲ این ماده کارساز بود، چون می‌گفتند تا رضایت شورا نباشد، نمی‌توان کارگر را اخراج کرد ولی وقتی با کارگر قرارداد یک‌ماهه و ۱۸روزه بسته می‌شود این ماده عملاً تأثیرگذاری خود را از دست داده است. ابوالفضل فتح‌اللهی از حذف تبصره‌های ماده ۴۱ در اصلاحیه قانون کار خبر داد و گفت: در اصلاحیه قانون کار که یک‌سوی از طرف دولت داده شده است تبصره‌هایی که ماده ۴۱ را حذف کردند و شرایط اقتصادی را گنجانده‌اند درحالی‌که وقتی قانون‌گذار دو آئیم برای ماده ۴۱ قانون کار در نظر گرفته همه شرایط را در آن سنجیده است. وی ادامه داد: سال‌هاست وزارت کار فقط بند یک ماده ۴۱ را بوند و تبصره ۲ این ماده کارساز بود، چون می‌گفتند تا رضایت شورا نباشد، نمی‌توان کارگر را اخراج کرد ولی وقتی با کارگر قرارداد یک‌ماهه و ۱۸روزه بسته می‌شود این ماده عملاً تأثیرگذاری خود را از دست داده است. ابوالفضل فتح‌اللهی از حذف تبصره‌های ماده ۴۱ در اصلاحیه قانون کار خبر داد و گفت: در اصلاحیه قانون کار که یک‌سوی از طرف دولت داده شده است تبصره‌هایی که ماده ۴۱ را حذف کردند و شرایط اقتصادی را گنجانده‌اند درحالی‌که وقتی قانون‌گذار دو آئیم برای ماده ۴۱ قانون کار در نظر گرفته همه شرایط را در آن سنجیده است. وی ادامه داد: سال‌هاست وزارت کار فقط بند یک ماده ۴۱ را بوند و تبصره ۲ این ماده کارساز بود، چون می‌گفتند تا رضایت شورا نباشد، نمی‌توان کارگر را اخراج کرد ولی وقتی با کارگر قرارداد یک‌ماهه و ۱۸روزه بسته می‌شود این ماده عملاً تأثیرگذاری خود را از دست داده است. ابوالفضل فتح‌اللهی از حذف تبصره‌های ماده ۴۱ در اصلاحیه قانون کار خبر داد و گفت: در اصلاحیه قانون کار که یک‌سوی از طرف دولت داده شده است تبصره‌هایی که ماده ۴۱ را حذف کردند و شرایط اقتصادی را گنجانده‌اند درحالی‌که وقتی قانون‌گذار دو آئیم برای ماده ۴۱ قانون کار در نظر گرفته همه شرایط را در آن سنجیده است. وی ادامه داد: سال‌هاست وزارت کار فقط بند یک ماده ۴۱ را بوند و تبصره ۲ این ماده کارساز بود، چون می‌گفتند تا رضایت شورا نباشد، نمی‌توان کارگر را اخراج کرد ولی وقتی با کارگر قرارداد یک‌ماهه و ۱۸روزه بسته می‌شود این ماده عملاً تأثیرگذاری خود را از دست داده است. ابوالفضل فتح‌اللهی از حذف تبصره‌های ماده ۴۱ در اصلاحیه قانون کار خبر داد و گفت: در اصلاحیه قانون کار که یک‌سوی از طرف دولت داده شده است تبصره‌هایی که ماده ۴۱ را حذف کردند و شرایط اقتصادی را گنجانده‌اند درحالی‌که وقتی قانون‌گذار دو آئیم برای ماده ۴۱ قانون کار در نظر گرفته همه شرایط را در آن سنجیده است. وی ادامه داد: سال‌هاست وزارت کار فقط بند یک ماده ۴۱ را بوند و تبصره ۲ این ماده کارساز بود، چون می‌گفتند تا رضایت شورا نباشد، نمی‌توان کارگر را اخراج کرد ولی وقتی با کارگر قرارداد یک‌ماهه و ۱۸روزه بسته می‌شود این ماده عملاً تأثیرگذاری خود را از دست داده است. ابوالفضل فتح‌اللهی از حذف تبصره‌های ماده ۴۱ در اصلاحیه قانون کار خبر داد و گفت: در اصلاحیه قانون کار که یک‌سوی از طرف دولت داده شده است تبصره‌هایی که ماده ۴۱ را حذف کردند و شرایط اقتصادی را گنجانده‌اند درحالی‌که وقتی قانون‌گذار دو آئیم برای ماده ۴۱ قانون کار در نظر گرفته همه شرایط را در آن سنجیده است. وی ادامه داد: سال‌هاست وزارت کار فقط بند یک ماده ۴۱ را بوند و تبصره ۲ این ماده کارساز بود، چون می‌گفتند تا رضایت شورا نباشد، نمی‌توان کارگر را اخراج کرد ولی وقتی با کارگر قرارداد یک‌ماهه و ۱۸روزه بسته می‌شود این ماده عملاً تأثیرگذاری خود را از دست داده است. ابوالفضل فتح‌اللهی از حذف تبصره‌های ماده ۴۱ در اصلاحیه قانون کار خبر داد و گفت: در اصلاحیه قانون کار که یک‌سوی از طرف دولت داده شده است تبصره‌هایی که ماده ۴۱ را حذف کردند و شرایط اقتصادی را گنجانده‌اند درحالی‌که وقتی قانون‌گذار دو آئیم برای ماده ۴۱ قانون کار در نظر گرفته همه شرایط را در آن سنجیده است. وی ادامه داد: سال‌هاست وزارت کار فقط بند یک ماده ۴۱ را بوند و تبصره ۲ این ماده کارساز بود، چون می‌گفتند تا رضایت شورا نباشد، نمی‌توان کارگر را اخراج کرد ولی وقتی با کارگر قرارداد یک‌ماهه و ۱۸روزه بسته می‌شود این ماده عملاً تأثیرگذاری خود را از دست داده است. ابوالفضل فتح‌اللهی از حذف تبصره‌های ماده ۴۱ در اصلاحیه قانون کار خبر داد و گفت: در اصلاحیه قانون کار که یک‌سوی از طرف دولت داده شده است تبصره‌هایی که ماده ۴۱ را حذف کردند و شرایط اقتصادی را گنجانده‌اند درحالی‌که وقتی قانون‌گذار دو آئیم برای ماده ۴۱ قانون کار در نظر گرفته همه شرایط را در آن سنجیده است. وی ادامه داد: سال‌هاست وزارت کار فقط بند یک ماده ۴۱ را بوند و تبصره ۲ این ماده کارساز بود، چون می‌گفتند تا رضایت شورا نباشد، نمی‌توان کارگر را اخراج کرد ولی وقتی با کارگر قرارداد یک‌ماهه و ۱۸روزه بسته می‌شود این ماده عملاً تأثیرگذاری خود را از دست داده است. ابوالفضل فتح‌اللهی از حذف تبصره‌های ماده ۴۱ در اصلاحیه قانون کار خبر داد و گفت: در اصلاحیه قانون کار که یک‌سوی از طرف دولت داده شده است تبصره‌هایی که ماده ۴۱ را حذف کردند و شرایط اقتصادی را گنجانده‌اند درحالی‌که وقتی قانون‌گذار دو آئیم برای ماده ۴۱ قانون کار در نظر گرفته همه شرایط را در آن سنجیده است. وی ادامه داد: سال‌هاست وزارت کار فقط بند یک ماده ۴۱ را بوند و تبصره ۲ این ماده کارساز بود، چون می‌گفتند تا رضایت ش